

بازتاب عزت نفس در دیوان خاقانی بر اساس نظریه روانشناسی هرم نیازهای مازلو

مریم کاظم پور حسینی^۱

۱. کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

چکیده

در قرن معاصر به این واقعیت پی برده‌اند که زمینه‌های مشترکی میان ادبیات و روانشناسی وجود دارد. هر دو با رفتارهای انسانی و انگیزش‌ها و با توانایی و شخصیت انسان سرو کار دارند. در این فرآیند هر دو به بررسی و تحلیل جنبه‌های ذهنی انسان روی آورده‌اند. در ادبیات گران‌سنگ پارسی به ابیاتی بر می‌خوریم که به بهترین شکل عزت نفس و احترام به خویشتن را جلوه گر نموده و در ساحت خویش متبلور ساخته‌اند. خاقانی شاعر فارسی زبان، قرن ششم، یکی از شاعرانی است که به درستی خود و شخصیت خود را شناخته است و سپس در اشعارش در باب مولفه‌هایی که باعث می‌شود عزت نفس در یک انسان نمود پیدا کند، پرداخته است. لذا مطابق با موضوع پژوهش حاضر، دیوان خاقانی انتخاب شده است تا مولفه‌های عزت نفس را در لابلای اشعار وی شناخته شده. و به تحلیل و بررسی آنها براساس نظریه روانشناسی هرم نیازهای مازلو پرداخته شود. در این نوشتار، روش پژوهش به صورت تحلیلی-توصیفی خواهد بود.

کلمات کلیدی: هرم مازلو، دیوان خاقانی، عزت نفس، احترام به خویشتن.

مقدمه

قرن ششم هجری از دوران‌های پربرکت و بارآور شعر فارسی است. در این عصر که مقدم بر حمله ویرانگر مغول است شعر فارسی از جهات گوناگون وسعت و رشد می‌یابد. این قرن به علت کثرت شاعران که حدود ۳۰۰ تن از آنان نامبرده شده و آثار بسیاری از آن‌ها به جای مانده است بر دیگر قرون ادب فارسی برتری دارد. در میان این شاعران، چند تن از نام‌آوران شعر فارسی هستند که مورد تقلید و تتبع دیگران قرار گرفته‌اند و در تاریخ شعر فارسی مقامی ارجمند دارند، خاقانی یکی از بزرگترین قصیده‌سرایان سده ششم هجری است. طرحی که در ادب پارسی پی افکند، او را در شمار یک تازان کم نظیر سخن پارسی جای داده است. خاقانی در مورد احوال، خواسته‌ها، آرزوها و وضعیت روحی و جسمانی خود در اشعارش بسیار سخن گفته و به حوادث مختلف عمر خود در جای جای آثارش اشاره

کرده. خاقانی به عنوان شاعری درشت و دشوارگوی در ادبیات فارسی مشهور است. از آنجا که دیوان اشعار خاقانی در برگیرنده بخش مهمی از وقایع زندگی شخصی و اجتماعی اوست، می توان بخش هایی از آن را یک زندگینامه خودنوشت نیز دانست. از آنجا که عزت نفس، از مقوله های مورد توجه روان شناسان است و یک خودآگاهی مهم و عامل قوی در ترغیب شخص به فعالیت، تعیین ظرفیت، خودهدایت نگری، خود کنترلی و تمایل به رفتارهای سودمند است.

بیان مسئله

عزت نفس به عنوان یک نیاز روانی مهم در خدمت سازگاری فرد است و عملکرد فرد تحت تأثیر عزت نفس است، و عزت نفس نشان دهنده نگرش فرد نسبت به خودش است. (معمار باشی اول و همکاران، ۱۳۹۴) عزت نفس یک عامل بسیار مهم در رشد شخصیت است و نقش بسیار مهمی در سازگاری اجتماعی هیجانی دارد. عزت نفس به معنای پذیرش، مورد تأیید دیگران قرار گرفتن و احساس با اهمیت بودن و ارزشمندی است که شخص نسبت به خودش دارد. (کهرآزئی و ریگی کوه، ۱۳۹۶).

عزت نفس را می توان مجموعه ای از افکار، احساسات، عواطف و تجربه ها تصور کرد که در فرآیند زندگی اجتماعی شکل می گیرند. مجموعه هزاران برداشت، ارزیابی و تجربه ای که فرد از خود دارد باعث می شود که نسبت به خود احساس خوشایند، احترام، ارزشمند بودن یا برعکس آن را داشته باشد.

آبراهام مازلو بنیانگذار و رهبر معنوی جنبش انسانگرا محسوب می شود. وی سلسله مراتبی از پنج نیاز فطری بشر (معروف به هرم سلسله نیازهای مازلو) را معرفی کرده است که رفتار انسان را برانگیخته و هدایت می کند. این نیازها عبارتند از: نیازهای فیزیولوژیک، ایمنی، تعلق پذیری، احترام (عزت نفس) و خودشکوفایی. از نظر مازلو ما نیاز داریم که به شکل احساس حرمت نفس برای خود ارزش و احترام قائل باشیم و در ضمن نیاز داریم که دیگران به شکل مقام، تایید یا موفقیت اجتماعی برای ما احترام قائل باشند. ارضای نیاز به عزت نفس این امکان را به ما می دهد تا از توانمندی ها، ارزشمندی، کفایت و شایستگی خود احساس اطمینان کنیم و این امر به ما کمک خواهد کرد تا در اغلب جنبه های زندگی خود شایسته تر و ثمربخش تر باشیم (سید محمدی، ۱۳۹۲: ۳۹۷).

در میان شاعران فارسی، خاقانی شاعر معروف قرن ششم از جمله کسانی است که بسیار و به گونه ای اغراق آمیز درباره خود و اندیشمندی وجود خویش سخن رانده است. لذا هدف اصلی این پژوهش آن است که؛ اشعار خاقانی را مورد بررسی قرار داده و با توجه به نظریه هرم مازلو دریابیم که شاعر تا چه میزان در باب مولفه های عزت نفس سخن راند است. و به سوال اصلی پیش رو پاسخ داده شود که؛ آیا در دیوان خاقانی مولفه های عزت نفس مشهود است؟ و اگر پاسخ این سوال مثبت است، عزت نفس در اشعار خاقانی به چه صورت و شکلی و با چه مولفه هایی نمود و بروز یافته؟

کلیات تحقیق

تعریف عزت نفس

عزت نفس یک فرایند پویا و جاری است که همیشه تحت تأثیر موفقیت‌ها و شکست‌ها گسترش پیدا می‌کند. عزت نفس ارزیابی که فرد در مورد خودش در سایه عقاید دیگران است که بر اساس فرایندهای عاطفی، به ویژه احساس مثبت و منفی درباره خود بنا شده است (کهرازی و ریگی کوتاه، ۱۳۹۶). عزت نفس به معنای ارزیابی فرد از خودش به عنوان یک انسان شایسته و با ارزش است که پایین بودن عزت نفس تأثیر زیادی بر روی پشتکار، اعتماد و پیشرفت تحصیلی دارد (خزائی و همکاران، ۱۳۹۱). عزت نفس یک ارزشیابی ذهنی است از اینکه شخص با ارزش است یا به صورت معکوس شخصی است بد، ناشایست یا بی‌ارزش، در نتیجه عزت نفس همان ارزشیابی ذهنی فرد از خودپندار خودش است (کاظمینی و رجبی، ۱۳۹۲).

اگر عزت نفس را گونه‌ای خود ارزشمندی بیندازیم، خودپنداری عبارت است از: - اعتماد به توانایی خود در اندیشیدن است، اعتماد به توانایی خود در کنار آمدن با چالش‌های اولیه زندگی است. - اعتماد به حق خود برای موفق و شاد بودن است، احساس ارزشمند بودن و شایسته بودن است. داشتن حق ابراز نیازها و خواسته‌هاست، ابراز میل رسیدن به ارزش‌ها و برخوردار شدن از ثمرات تلاش‌های خویش است. اعتماد کردن به ذهن و دانستن این که هر کسی شایسته و زیبنده خوشبختی است، جوهره عزت نفس است.

اهمیت عزت نفس

اهمیت عزت نفس صرفاً در این نیست که به انسان امکان می‌دهد احساس بهتری داشته باشد. بلکه فرصتی می‌دهد تا بهتر زندگی کند و با چالش‌های زندگی بهتر روبرو شود و از فرصت‌های مطلوب بهره‌برداری بیشتری داشته باشد. میزان عزت نفس روی تمام جنبه‌های وجودی انسان اثر می‌گذارد. عزت نفس با رفتار عقلانی، واقع‌گرایی، فراست، خلاقیت، استقلال، انعطاف‌پذیری، توانایی قبول تغییر، تمایل به اذعان اشتباهات و اصلاح آن‌ها، خیرخواهی و همکاری و تعاون، در ارتباط مستقیم است.

اشخاصی که از عزت نفس بیشتری برخوردارند در مقایسه با اشخاص فاقد عزت نفس، بیش‌تر در برابر شدايد زندگی و مشکلات مقاومت می‌کنند. اگر انسان برای خود احترامی قائل نباشد و در نتیجه بی‌احترامی را بپذیرد، اگر بدرفتاری و سلطه‌جویی و بدزبانی دیگران را قبول کند و آنرا امری طبیعی بیندازد، بی‌آن که متوجه باشد این موضوع را منتقل می‌کند. کاربرد عزت نفس برای بقا سازگاری و موفقیت شخص کاملاً مسلم است. عزت نفس حامی زندگی و متعالی‌کننده آن است. عزت نفس زیاد وسیله‌ای در خدمت دستیابی به هدف است. رسیدن به هدف نیز از سویی دیگر به میزان عزت نفس می‌افزاید.

ابعاد عزت نفس

- بعد اجتماعی^۱: احساسی که فرد در مورد خودش به عنوان یک دوست برای دیگران دارد. آیا دیگران او را دوست دارند؟ آیا فرد از برخورد روابطش با دیگران احساس رضایت می‌کند؟ و ... و اینکه فرد از ارتباط اجتماعی اش احساس رضایت می‌کند یا نه به میزان عزت نفس او بستگی دارد.

- بعد خانوادگی^۲: احساسی که فرد در مورد خودش به عنوان عضوی از خانواده دارد. فردی که احساس می‌کند عضو با ارزشی از خانواده‌اش است، وظیفه‌ی خود را به بهترین شکل انجام می‌دهد و احساس امنیت در خانواده خودش داشته باشد.

- بعد تحصیلی^۳: به ارزیابی دانش آموز از خودش به عنوان دانش‌آموز مربوط می‌شود. عزت نفس پایین در دانش‌آموزان می‌تواند سبب افت تحصیلی، احساس نتهایی، دوری از واقعیت و رفتارهای خود تخریبی شود (آکله چی و مهری، ۱۳۹۰).

- عزت نفس عمومی: ارزیابی عمومی‌تری از خود است که به ارزیابی خود در تمام زمینه‌ها می‌پردازد. و در احساس من فرد خوبی هستم یا اینکه من اکثر خصوصیات خود را دوست دارم، نمایان پیدا می‌کند. این بعد از عزت نفس وحدت و یکپارچگی به تمام ابعاد عزت نفس می‌دهد (عسکری و همکاران، ۱۳۹۷).

مولفه‌های عزت نفس

تجاریبی که هر فرد در راستای هر یک از مولفه‌هایی عزت نفس بدست می‌آورد، نقش اساسی را در ارزیابی از خود ایفا می‌کند. این فرآیند ارزیابی یا قضاوت، توصیف‌های درونی از خود را میسر می‌نماید که عزت نفس نام می‌گیرد و به منزله بیانیه‌ای در چگونگی احساس فرد درباره خویش محسوب می‌شود. عزت نفس سالم را می‌توان مورد تقویت قرار داد و یا این که آن را از مسیر اصلی منحرف ساخت. شخص با عزت نفس قوی، تا حدودی قادر است که در خود جنبه‌های مثبت پنج مولفه عزت نفس را تحقق بخشد. در صورت فقدان مولفه‌های مزبور شخص دچار ناپایداری، بیهودگی و ناتوانی می‌شود (میرعلی یاری، ۱۳۷۹). پنج مولفه عزت نفس از دیدگاه جامع‌نگر «اینرونر» (۱۹۸۲)، در ارتباط با نظریه خود نشات گرفته است. این مولفه‌ها عبارتند از:

۱- امنیت

احساس راحتی و ایمنی، وقوف در آنچه از وی انتظار می‌رود، توانایی وابستگی به افراد و موقعیت‌ها و درک قواعد و محدودیت‌ها. دارا بودن احساس قوی امنیت (می‌توانم از پشتیبانی دیگران برخوردار شوم)، پایه‌ای است که ساختار مولفه‌های دیگر بر آن اساس پایه‌ریزی می‌گردد. از این رو افراد باید قبل از انجام هر عملی نسبت به آن اطمینان خاطر

^۱ Social demension

^۲ Family demension

^۳ Educational demension

حاصل نمایند و در کودکان به مراتب بیشتر است. چنانچه فردی احساس نا امنی و خطر نماید، در جذب مولفه های دیگر عزت نفس با مشکل مواجه خواهد شد (میرعلی یاری، ۱۳۷۹).

۲- خودپذیری

خودپذیری احساس فردیتی است که اطلاعات درباره خود را دربر می گیرد. توصیف دقیق و واقع بینانه از خویش برحسب نقش ها، اسنادها و ویژگی های جسمانی. فردی که واجد خودپذیری قوی باشد (من خودم را دوست دارم)، خویش را می پذیرد، احساس فردگرایی، شایستگی، کفایت و تحسین از خود دارد. ولی فردی که احساس خودپذیری ضعیفی دارد (من خود را دوست ندارم)، در پذیرش خود فاقد اراده است. (میرعلی یاری، ۱۳۷۹).

۳- پیوند جویی

پیوندجویی احساس پذیرش با مقبولیت است به ویژه در روابطی که مهم قلمداد می شوند. همچنین به معنای احساس پذیرفته شدن و مورد احترام قرار گرفتن از سوی دیگران به کار می رود. افرادی که دارای احساسات پیوندجویی قوی باشند (احساس تعلق داشتن)، رابطه راحت و رضایتمندی با دیگران برقرار می کنند. حال آن که احساس پیوندجویی ضعیف در فرد منجر به انزوای طلبی و احساس بیگانگی خواهد شد. (میرعلی یاری، ۱۳۷۹).

۴- شایستگی

این مولفه به احساس موفقیت و فضیلت در کارایی اشاره دارد که مهم و ارزشمند به نظر می رسد و شامل وقوف بر نیرومندی ها و توانایی ها و پذیرش ضعف ها نیز می شود. افرادی که واجد احساس شایستگی می باشند (من احساس توانایی می کنم، بنابراین می توانم با هر خطری مواجه شوم) در بیان تصورات و عقاید خود در ارتباط با دیگران بی پروا می باشند. اما افرادی که از شایستگی لازم برخوردار نیستند (نمی خواهم کوشش کنم)، خود را ناتوان می انگارند و موفقیت های خویش را به بخت و اقبال نسبت می دهند و نمی خواهند فرصت هایی در جهت نیل به موفقیت داشته باشند. آنها رفتارهای خودمغلوبانه دارند و احساس کفایت شخصی نمی کنند (میرعلی یاری، ۱۳۷۹).

۵- تعهد یا رسالت

در این مولفه، دارا بودن هدف و انگیزه در زندگی شخص مورد نظر است. به طوری که به خویشتن رخصت دهد تا اهداف واقع بینانه و قابل حصولی داشته باشد و در قبال پیامدهای تصمیمات خود، احساس مسئولیت نماید. شخص برخوردار از احساس قوی (من اهداف مهمی دارم)، قادر است عملی را آغاز کند و بر اساس طرح و نقشه آن را پی می گیرد. اما فردی که حس تعهد ضعیفی دارد، در قبال اعمال خود مسئولیتی احساس نمی کند و در هنگام مواجهه با مشکل راه حل های مختلف را مورد کاوش قرار نمی دهد. (میرعلی یاری، ۱۳۷۹).

ویژگی های افراد خود شکوفا از منظر مازلو

مازلو تلاش و کوشش زیادی برای تعریف ویژگی‌های اصلی افراد خودشکופا صرف کرد (لاری، ۱۹۷۳) از نظر مازلو انسان‌های خودشکופا، افرادی هستند خودآگاه، علاقه‌مند به رشد شخصی، کم‌توجه به عقاید دیگران و علاقه‌مند به ارضاء توانائی‌های بالقوه خود. مازلو به این نتیجه رسید که افراد خودشکופا دارای چند خصیصه مشترک اند. واقعیت را به خوبی درک کرده و قادرند شرایط مبهم را تحمل کنند. خود و دیگران را آنچنان که هستند قبول می‌کنند. در اندیشیدن و رفتار خودجوشند. بیشتر مسئله مدارند تا خود مدار. از بذله‌گویی بر خوردارند. بسیار خلاقند. به سادگی هم‌رنگ جماعت نمی‌شوند. به شادکامی انسان‌ها علاقه‌مندند. از تجربه‌های اساسی زندگی عمیقاً لذت می‌برند. بیشتر با مردمان معدودی روابط عمیق و ارضا کننده دارند تا با تعداد زیادی از مردم. قادرند به نحو عینی به زندگی بنگرند. مازلو مناسب‌ترین نوع طبقه‌بندی را ارائه کرد، او معتقد بود انسان برحسب قدرت نیاز خود در هر یک از طبقات برانگیخته می‌شود و به تحرک در می‌آید، لذا پاداش وقتی مبتنی بر نیازهای ارضا شده کارکنان باشد موجب انگیزه نمی‌شود. این نیازهای (پنج گانه) بین همه انسانها مشترک است (بهرنگی، ۱۳۹۶: ۱۳۴ - ۱۳۱). در شکل زیر هرم نیازهای پنجگانه مازلو آمده است.



شکل ۱ هرم نیازهای مازلو

مشخصه‌های عزت نفس در اشعار خاقانی

۱- امنیت

امنیت احساسی نشات گرفته از اطمینان قوی است. امنیت شامل این نکات می‌شود: احساس راحتی، وقف در مواقعی که از شخص انتظار می‌رود، دارا بودن احساس قوی امنیت (شخص می‌تواند از پشتیبانی دیگران برخوردار شود) پایه ای است که ساختار مولفه های دیگر بر آن اساس پایه ریزی می‌گردد.

ابیات زیر نمونه‌ای از بازتاب امنیت در اشعار خاقانی است:

خاقانی در این قصیده کوتاه ابراز می‌کند که نسبت به ممدوح خود احساس امنیت دارد و با او ارتباط نزدیک برقرار کرده است. این احساس امنیت ممکن است به دلیل تجربه‌ها و روابط دوستانه و مثبتی باشد که با ممدوح خویش داشته و همین حس باعث دلگرمی شاعر شده است و به او احساس امنیت و آرامش بخشیده است. این مضمون را می‌توان در بیت ۱۰ مشاهده کرد:

باد را زو رخصه بادا تا ز خاک درگهش

توتیای چشم خاقانی به شروان آورد!

(همان، ۷۷۱)

خاقانی در قصیده دیگری از روزگار گله‌مند است و زمانه را چیزی پوچ می‌داند، حتی بی‌ارزش‌تر از دو دانه جو! در بیت آخر این قصیده راه نجات و خلاصی از ناراحتی‌ها و ناملایمات زمانه را پناه بردن به درگاه خاقان اکبر می‌داند. این بیت نشان دهنده اعتماد شاعر و احساس امنیتی است که وی نسبت به خاقان اکبر دارد و باور دارد که در زمان سختی‌ها می‌تواند به دوست خود پناه ببرد. همین حس پناه جویی در نهایت به عزت نفس او می‌انجامد.

بر در خاقان اکبر آی و کرم جوی

از در دریای تنگبار چه خیزد؟

(همان، ۷۷۲)

۲- خودپذیری:

خودپذیری احساس فردی است که اطلاعاتی درباره خود و توصیف دقیق و واقع بینانه را براساس نقش‌ها، و ویژگی‌های جسمانی را در بر می‌گیرد. افرادی که واجد خودپذیری قدرتمندی هستند، احساس فرد گرایی، شایستگی، کفایت و تحسین از خود دارند. خودپذیری فرآیندی است که انسان را بدون انکار یا طفره رفتن به سوی پذیرش احساسات و افکار متمایل می‌کند، خاقانی در اشعارش به مولفه‌های پذیرش و اتکای به خویش و همچنین توانایی‌های فردی که از لازمه‌های اصلی عزت نفس است، پرداخته. در ادامه به نمونه‌ای از خودپذیری که شاعر به آن پرداخته است اشاره می‌کنیم:

خاقانی در قصیده یازدهم خود در ابیات ۴۴ تا ۴۶ از زبان نسیم، خود را ستایش می‌کند و به تحسین خویش می‌پردازد. احساس مقبولیت و خودتکریمی در کلام خاقانی مشهود است. این ابیات به شکل منظره سروده شده است:

دوش نسیم سحر بر در من حلقه زد
گفتم کان کیست؟ گفت قاصدی ام اشنا
گفتم کاسرار باغ هیچ شنیدی بگوی
گفت دل بلبل است در کف گل مبتلا
گفتم کامروز کیست تازه سخن در جهان
گفت که خاقانیست بلبل باغ ثنا
(همان، ۳۷)

خاقانی در قصیده چهل و پنج در بیت ۴۴ خود را به پرنده ای تشبیه کرده که بر بلندای کاخ عقل نشسته و همچنین دشمنانش را به بدترین جاندارانی تشبیه کرده است که در بیابان جهل و نادانی قرار دارند. با توجه به معنی این بیت و تشبیهاتی که شاعر در اینجا به کار برده، می‌توان حس مفاخره، خودپذیری و حس شایستگی شاعر نسبت به خود را درک کرد:

بر قصر عقل نام تو خیر الطیور گشت
در تیه جهل خصم تو شر الدواب شد
(همان، ۱۵۸)

۳- پیوندجویی:

احساسی از پذیرفتن و مقبولیت است، به ویژه در روابطی که مهم شمرده می‌شوند. همچنین به معنای مورد احترام قرار گرفتن از سوی دیگران و احساس پذیرفته شدن از طرف اطرافیان است. افرادی که دارای احساسات پیوند جویی قوی باشند (احساس تعلق داشتن) رابطه راحت و رضایت مندی با دیگران برقرار خواهند کرد. پیوندجویی به معنای تعلق داشتن است و باعث ارتباط راحت با دیگران می‌شود. پیوندجویی یکی از نشانه‌ها و مولفه‌های عزت نفس است که می‌توان در اشعار خاقانی جستجو کرد.

خاقانی در ابیات ۳۹ تا ۴۳ قصیده پنجاه و پنجم خود، به بانوی شروانشاه، صفوت الدین به مناسبت تولد فرزندش تبریک می‌گوید و از او درخواست می‌کند که باز هم او را در پناه خود نگاه دارد. این ابیات نشان دهنده احساس پیوندجویی، مقبولیت و راحتی رابطه بین شاعر و بانو است. خاقانی با این ابیات نشان می‌دهد که از رابطه و ارتباطی که با بانوی شروانشاه دارد بسیار خرسند است و می‌خواهد این رابطه پایدار باقی بماند. این احساسات نشانی از پیوندجویی در شاعر دارد:

نه ماهه ره بریده مه نو به ره در است
کاید چو ماه چارده مصباح هفت و چار
خواهی نهیش نام منوچهر نامجوی
خواهی کنیش نام فریبرز نامدار
خاقانی است بر در تو زینهار
ای بانوان مملکت شرق! زینهار
در زینهار بخت نگه دار توسست حق
زنهار! زینهار خود را نگاه دار
(همان، ۱۷۸)

خاقانی در ابیات ۱۱۶ و ۱۱۷ قصیده شصتم خود بیان می‌کند که با دو شخصیت به نام های رکن الدین مفتی خوی و رکن الدین عالم ری مناسبات و روابط نزدیکی داشته است. خاقانی این دو شخص را به عنوان ارکانی محکم برای خود می‌داند، که این به معنای ارتباط نزدیک و پایداری است که میان شاعر و این دو شخصیت دارد. این احساس تعلق و پیوندجویی، نشان از عزت نفس شاعر و اهمیتی که به این روابط می‌دهد، دارد:

دو امام زمان دو رکن الدین
دو قوی رکن کعبه اسرار
به موالات این دو رکن شریف
هم تمسک کنم، هم استظهار
(همان، ۲۰۱)

۴- شایستگی:

مولفه شایستگی به احساس موفقیت و فضیلت در کارایی اشاره دارد و شامل وقوف بر نیرومندی‌ها، توانمندی‌ها و پذیرفتن ضعف‌ها خواهد شد. این افراد همواره احساس شایستگی و توانایی می‌کنند بنابراین قادرند با هر خطری مواجهه شوند. این افراد به این باور رسیده اند که می‌توانند در کارها موفق باشند و همین مساله در رسیدن آنها به پیروزی و موفقیت تاثیرگذار است. خاقانی از احساس شایستگی بالایی برخوردار بوده است و گاهی این احساس تا حد خودشیفتگی در برخی اشعار او نمود پیدا کرده است. در ابیات زیر به حس شایستگی و وقوف او بر توانمندی خویش خواهیم پرداخت.

خاقانی در ابیات ۱۴ تا ۱۶ قصیده هشتم خویش شعر خود را نتیجه طبع تازه و بکر خود می‌داند و بر پاکی او شهادت می‌دهند. خاقانی در این ابیات بیان می‌کند که در این پانصد سال هجرت جهان خاکی فردی را مثل او ندیده است. احساس فردگرایی، خودپذیری و کفایت در این اشعار به صراحت قابل درک است:

نتیجه دختر طبعم چو عیسی است
که بر پاکی مادر هست گویا
سخن بر بکر طبع من گواه است
چو بر اعجاز مریم نخل خرما
چو من ناورد پانصد سال هجرت
دروغی نیست ها برهان من ها
(همان، ۲۴)

شاعر در قصیده‌ای دیگر در ابیات ۷۲ و ۷۳ خود شعر و هنرش را چون کوه بارزشی می‌داند که برای هدیه به ممدوح از خودش وام گرفته و شعرش را آن قدر ارجمند و با اهمیت می‌داند که باید با وام گرفتن آن را فراهم نمود. یعنی شاعر اعتقادش بر این است که سرودن چنین اشعاری از عهده یک نفر خارج است. خاقانی در این اشعار آنچنان به توانمندی در کاری که انجام می‌دهد (سرودن شعر) باور دارد که احساس شایستگی می‌کند و عزت نفس بالای وی را می‌توان در این ابیات مشاهده کرد:

گوهر جان وام کردم از پی تحفه
تحفه بزرگ است، از آن به وام برآمد
پیش چنین تحفه کاو تمیمه عقل است
واحزن از جان بتمام برآمد
(همان، ۱۴۷)

۵- تعهد:

در این مولفه، داشتن انگیزه در زندگی مد نظر می‌باشد. به طوری که به خویشتن اجازه دهد تا اهداف واقع بینانه و قابل حصولی داشته باشد. تعهد به معنای احساس مسئولیت کردن در قبال پیامدهای و تصمیماتی است که فرد در انتخاب‌هایش

می‌گیرد. فرد اهداف واقع بینانه‌ای را انتخاب می‌کند و برای دستیابی به آنها متعهد می‌شود. تعهد در دنیای شاعرانی همچون خاقانی این چنین تعریف می‌شود که: احساس تعهد تنها به اتکای خویش و قدرت و توانایی‌های شاعر محدود نمی‌شود و گاهی اوقات باعث می‌شود تا شاعر در برابر دنیا سر تعظیم فرود نیارد و جواب منفی به پادشاهان و امرا هم عصر خویش دهد و آزاد منشی را ترجیح بدهد به اینکه زیر یوغ منت دیگران برود. در مثال‌های زیر به بررسی تعهد و مناعت طبع در اشعار خاقانی خواهیم پرداخت

خاقانی در بیت ۶۴ قصیده سیزدهم خود صراحتاً بیان می‌کند که همت خاقانی ارزش سخن را با به کار بردن آن برای دیگران نمی‌شکند و می‌گوید: خاقانی که گوهر شناس است مروارید را در لجنزار نمی‌افکند. مناعت طبع شاعر و احساس تعهد او اجازه نمی‌دهد که برای هر کسی شعر و مدح بگوید و این موضوع در کلام شاعر ردپای عزت نفس را بر جای گذاشته است:

کی شکند همتش قدر سخن پیش غیر
کی فکند جوهری دانه ی در، در خلاب
(همان، ۴۵)

شاعر در قصیده پنجاه و دوم خود در بیت ۷ و ۸ اعتقادش بر این است که آدمی اگر بخواهد با مکر و حيله روزی خود را به دست آورد، همچون شیطان پلید است و این عمل را عملی شیطانی می‌داند. خاقانی پس از اینکه در باب دیدگاهش را می‌گوید، به مخاطبانش پند می‌دهد که برای به دست آوردن رزق و روزی ابتدا باید به خداوند توکل کرد و سپس با تلاش و کار روزی را به دست آورد. این ابیات نشان دهنده این است که نباید از نیروی جز نیروی بالاتر که جز خداوند کسی نیست، طلب رحمت داشت. این رفتار و طرز فکر نشانه و یکی از مولفه‌های مهم عزت نفس و تعهد وی بر باورهایش به شمار می‌آید:

رزق جستن به حيله شیطانی است
شیطنت را لقب حیل منهید
به توکل زیید و روزی را
وجه جز لطف لم یزل منهید
(همان، ۱۷۲)

نتیجه گیری

با توجه به نظریه هرم مازلو عزت نفس دارای پنج مولفه می‌باشد. امنیت، خودپذیری، پیوندجویی، شایستگی و تعهد. بنا بر تعاریف مازلو امنیت، احساسی است که نشأت گرفته از اطمینان قوی است. خودپذیری، احساسی می‌باشد که اطلاعات دقیق و واقع بینانه را براساس نقش‌ها و ویژگی‌های جسمانی در بر می‌گیرد. پیوندجویی، احساسی نشأت گرفته از پذیرفتن

و مقبولیت است. شایستگی، احساسی نشات گرفته از موفقیت و فضیلت در کارهاست و آخرین مولفه، تعهد است. این مولفه احساسی است که به خویشتن اجازه می‌دهد تا اهداف واقع بینانه و قابل حصولی داشته باشید و در قبال نتایج و پیامدها تصمیمات خویش احساس مسئولیت کند.

بنا بر نظریه هرم مازلو، در دیوان خاقانی مولفه‌های عزت نفس مطرح شده است. این مولفه‌ها عبارتند از: امنیت، خودپذیری، پیوند جویی، شایستگی و تعهد که به وضوح در جایی‌جای اشعار خاقانی قابل رویت و لمس هستند. خاقانی در برخی از اشعار به احساس امنیت و پناه جویی اشاره می‌کند. وی اشعارش را در مدح دوستان و اطرافیانش سروده است. لذا شاعر هم مانند دیگر انسان‌ها در این شرایط می‌تواند در کنار یک دوست وفادار، حس آرامش و امنیت را احساس کنند. این امنیت اغلب از توکل و پناه‌جویی به خدا و دوستان نزدیکی در مواقع دشوار زندگی بر می‌آید. خاقانی اعتقاد دارد که در مواقع سختی می‌تواند از دوستان نزدیکی کمک بگیرد و همین مورد به افزایش عزت نفس او می‌انجامد. خاقانی سعی دارد ارتباطش را با دوستان و اطرافیان حفظ کند و در اغلب اشعارش به ارتباط و پیوند نزدیک خود با ممدوح یا معشوق خود اشاره می‌کند که نشان از ارزش گذاری او در ارتباطاتش با دیگران و نزدیکیانش می‌باشد. این رابطه دوسویه بین او و دیگران باعث احساس پیوندجویی خواهد شد.

خاقانی در برخی از اشعارش احساس شایستگی و ارزشمندی خود را به وضوح بیان می‌کند. او در اشعارش نشان می‌دهد که استعدادها و توانایی‌های خود را درک کرده و شناخته است. در میان اشعار خاقانی می‌بینیم. او بیان می‌کند که از شاعران زمانه خود بالاتر است زیرا که می‌تواند به صورت بداهه شعر بسراید و در قالب‌های شعر از دیگران جلوتر است. او توانایی‌های خود را درک کرده و می‌داند که اشعارش بدیع و نو هستند و همین مسئله باعث می‌شود که در آینده شاعری مطرح و معروف باشد. از طرفی خاقانی به قابلیت‌های خود آشناست و از آن‌ها برای رسیدن به تعالی و زندگی بالاتر بهره می‌گیرد. این اعتقاد به خود و آگاهی از شایستگی‌هاست که خاقانی را قوی و مطمئن می‌کند و می‌تواند به پیروزی و موفقیت‌های روزافزونی دست یابد. خاقانی همچنین در ابیانش به تعهد و مسئولیت‌پذیری در قبال اهداف و ارزش‌های خود اشاره می‌کند. او در اشعارش به دیگران پند می‌دهد که راهی را که خود در پیش گرفته است را پیش بگیرند. او چشم داشتی به مال دنیا و مادیات ندارد و از دیگران می‌خواهد که از دل بیستن به دنیا دوری کنند و به نیروی بالاتر توکل کنند که والاترین مرتبه انسانیت است. خاقانی در دیگر اشعارش بیان می‌کند که در هیچ کجا و تحت هیچ شرایطی دوست ندرد در مقابل نامردان گردن خم کند و تنها راه انسان بودن را رسیدن به خالق مطلق می‌داند. بنابراین دیدگاه و ذهنیت‌های خاقانی نشان از عزت نفس و استقلال فکری او دارد.

به طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که نکات تحلیلی این پژوهش موید این نظر است که در مکتب انسان گرایانه مازلو نظریه خودشکوفایی که بالاترین نیاز در سلسله مراتب نیازهای انسانی است در کلام و سخن خاقانی، این شاعر پارسی زبان، دیده می‌شوند و ذهن خلاق و نبوغ هنری خاقانی می‌تواند برگرفته از رسیدن به خودشکوفایی باشد که به شکل خردمندانه و

هنرمندانه در دیوان او محسوس است و این گوهر گرانبها برای ما از روزگار گذشته به یادگار مانده. امید است این دیوان ارزشمند مورد مطالعه و بحث ادب دوستان و علاقمندان قرار گیرد و حظ کامل را از این اثر ادبی و هنری ببرند و بیاموزند.

منابع

- بهرنگی، م.، ۱۳۹۶، مدیریت آموزشی و آموزشی، انتشارات تابان، تهران.
- تکلو، ف.، احمدی، ک.، آرش، ض.، ۱۳۹۳، بررسی ارتباط بین مولفه‌های مدل پنج عاملی شخصیت و تنبلی اجتماعی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی در سال ۱۳۹۳. مجله تحقیقات بالینی در علوم پیراپزشکی، سال چهارم، شماره ۱.
- خاقانی شروانی، ا.، ۱۳۹۹، *دیوان خاقانی شروانی*، مقابله و تصحیح و مقدمه و تعلیقات سید ضیاء الدین سجادی، چاپ دوازدهم، تهران: زوار.
- خاقانی، ا.، ۱۳۸، دیوان شعر، چاپ سوم، تهران، نشر سپهر.
- کزازی، م.، ۱۳۹۳، *رخسار صبح گزارش چامه ای از خاقانی شروانی*، چاپ هشتم، تهران نشر مرکز
- مازلو، ا.، ۱۳۷۵، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، چاپ چهارم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- یاری، م.، ۱۳۷۹، عزت نفس و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی. تهران. نشر صدق.